

تفسیر قرآن کریم

سورة توبه - آیه های ۲۳ و ۲۴

همه چیز فدای هدف!

۲۳- یا ایها الذین آمنوا لاتخذوا آباءکم
و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر
علی الایمان و من یتولهم منکم فاولئک
هم الظالمون .

؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه پدران
و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دادند ،
آنانرا دوست مدارید ، و کسانی که آنها را (با
این حال) دوست بدارند ستمکارانند.

۲۴- قل ان کان اباؤکم و ابناؤکم و
اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال
اقترا فتموها و تجارة تخشون کسادها و
مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله
و جهاد فی سبيله فتر بصوا حتی یاتی الله
بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین .

؛ بگو هر گاه پدران و فرزندان و برادران
و همسران و خویشان شما ، و ثروتیکه اندوخته اید
و تجارتی که از کساد آن می ترسید ، و مسکنهایی
که مورد علاقه شما است ، (هر گاه اینها) از
خدا و رسول و جهاد و مبارزه در راه او، محبوبتر
و پسندیده تر است پس در انتظار فرمان الهی باشید
(یعنی گروهی را برانگیزد که خدا را بر همه چیز
مقدم بدارند) خدا فاسقان را هدایت نمیکند .

يك اجتماع كوچك

ریشه و اساس جامعه‌های بزرگ همان اجتماعات كوچك است، هنگامیکه چند جامعه كوچك (مثلاً خانواده) دور هم جمع میشوند. بدینوسیله پایه اجتماع بزرگ نهاده میشود، روی این حساب پایه اصلاحات بزرگ روشن میشود و معلوم میشود که مرکز همگونه تصفیه و اصلاح همان محیط‌های كوچك است، تا این مراکز سروسامانی پیدا نکنند قدم اصلاحی بمنزله يك امر محالی است که به نتیجه نرسد.

منظور از اجتماعات كوچك همان محیط‌های؛ فرهنگ، خانواده، بازار و... که هر کدام برای خود صنفی هستند و در تشکیل تمدن و زندگی اجتماعی دخالت تام دارند. اکنون گفتگوی مادر پیرامون محیط خانوادگی است که اسلام در تحکیم و تثبیت آن اوامر مؤکدی صادر فرموده، ما برای روشن کردن ذهن خوانندگان، برخی از دستورات اسلام در ضمن سه فرازیبانی مینمایم. تا معلوم شود که اسلام بیش از سایر ملل در تحکیم اوضاع خویشاوندی تلاش فرموده است و هر گاه در این دو آیه امر مینماید که از پدر و مادر و خویشانندان کافر دوری نمایم. روی عللی است که صلاح مجتمع را در آن دیده است.

۱- پدر و مادر؛ بدون تردید این دو شخصیت رکن مهم اجتماعند از این لحاظ جایگه قرآن دستور میدهد که خدا را ستایش نمایم، بلافاصله دستور میدهد که «والدین» را نیکی کنیم، و **وقضى ربك الاتعبد والالایاه وبالوالدین احساناً**؛ پروردگارتو (ای پیامبر) دستور داده که جز او کس دیگر را نپرستید، و به پدران و مادران نیکی کنید، در جای دیگر، چنین فرموده: **ان اشكر لى ولو اللدیک والى المصیر**؛ ای بشر نسبت بمن و پدر و مادرت سپاسگزار باش، باز گفت تو بسوی من است.

امام ششم میفرماید؛ احترام بوالدین افضل کارها است و آن در ردیف جهاد در راه خداست، گذشته از این بحکم غریزه و فطرت از آنجا که فرزند میوه این درخت و فرع این اصل است انسان يك نحو عطف و محبت فوق العاده‌ای نسبت بوالدین خود دارد، و مهرورزی هر يك بدیگری عامل بسیار سودمند است که چرخ اجتماع را میگرداند.

ولی در محیط‌های مادی (مانند برخی از کشورهای غربی) که روابط مادی همه چیز را تحت الشعاع قرار میدهد، قدرت این عامل بسیار کم شده، و عاطفه‌ها و محبت‌ها بصورت قالبیهای بیروح درمیآید حتی بنا بنقل بعضی از مطلقین؛ «خویشاندی در اروپا از پدر و مادر تجاوز نمیکنند» و شاید روزی برسدمهر و علاقه و روابط خویشاوندی از میان آنان نسبت بفرزندان نیز رخت به بندد ولی در شرق که دامنه‌ی تمدن غرب زیاد بآنجا کشیده نشده، این عامل بقدرت خود باقی است و مهر فرزندان باین دو رکن بزرگ از فطرت و غریزه سرچشمه میگیرد و اینکه آنها عامل حیات و زندگی‌اند، ملاک محبت و علاقه نیست، ولی در محیط‌های سرمایه داری که همه حوادث را در جهان با منافع مادی تفسیر میکنند، و برای هر کاری انگیزه

مادی میخواهند، در این محیط پدر و مادر از آن نظر مورد تکریمند که عامل سود و وسیله زندگی هستند و لذا با از بین رفتن این ملاک مظاهر محبت از دائره لفظ کنار نمیروند.

۲- همسران: انسان روی غریزه جنسی و محتاج بودن بشریک در زندگی به همسر خود علاقمنده است، جمله تاریخی رسول اکرم در باره زن معروفست که آنحضرت فرمود: **المرأة ریحانة لا قهرمانة** زن کل باغ زندگی است قهرمان میدان اجتماع نیست.

۳- خویشاوندان: علاقه بخویشاوندان تا حدی طبیعی است، و حفظ روابط قومی در اسلام بسیار مستحسن، و قطع ارتباط با خویشاوندان حرام است؛ اسلام کسانی را که ارتباط خود را با اقوام خود قطع میکنند مفسد خوانده و فرموده: **و یقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون** خلاصه ترجمه آیه این است؛ کسانی که ارتباط خود را با اقوام خود که خدا دستور داده است که با آنها ارتباط برقرار کنیم، قطع نمایند آنان مفسد و زیانکارانند، و علت مفسد بودن آنها روشن است زیرا با کسستن روابط خویشاوندی ضربت محکمی به اتحاد و یگانگی اجتماع وارد می گردد.

شان نزول آیها

آیاتیکه تا حال درباره آنها در شماره های پیش سخن گفته ایم علت مبارزه با مشرکان را روشن ساخت، و نقطه تردیدی برای مسلمانان باقی نگذارد، آخرین بهانه برخی از مسلمانان زمان نزول این آیات این بود که مشرکان «مکه» و اطراف خویشاوندان ماهستند و نبرد با خویشاوندان کاریست بسیار سخت، علاوه بر آن از «مسجد الحرام» و جلو گیری کردن از ورود آنها به «مکه» موجب رکود بازار تجارت مامیگردد، و خانه های زیادی که برای زائران «مکه» اجاره داده میشد بر اثر مزاحمت از قدم مشرکان، از چیز استفاده می افتد، علاوه بر این برای مبارزه در راه خدا و جهاد با مشرکان بایست از تجارت و مسکن دست کشید، و این کارطمه ای فوق العاده ای بر زندگی و منافع و راحت طلبی مآبیزند.

اینها بهانه های بود که برخی از مردم ضعیف الایمان آنها را دستاویز قرار داده و بدینوسیله در تضعیف سپاه مسلمانان میکوشیدند، آیات فوق به منظور بیدار کردن مسلمانان، و پاسخ دادن بگفتار آنها نازل گردیده است هدف آیات این است هر گاه علاقه به پدران، و فرزندان و زنان و اموال و مساکن، شما را از جهاد و یاری خدا بازدارد، در چنین صورت بایست در انتظار یک گرفتاری فوق العاده ای باشید، و جمله: **فتربصوا حتی یاتی الله بامر**، کنایه از همین معنی است، و آیه ۵۲ از همین سوره این جمله را روشن تر میسازد چنانکه میفرماید: **ونحن فتر بص بکم ان یرصیکم الله بعذاب من عنده او بآیدینا؛ ما در انتظار آن هستیم که عذابی از ناحیه خدا یا بوسیله ما بشما برسد، این آیه در صورتی میتواند گواه تفسیر آیه پیش باشد که مخاطب با آن منافقان بظاهر مسلمان باشند. چنانکه سیاق آیات**

آنرا نیز نشان میدهد.

جمله پیش احتمال دیگر نیز دارد، و آن اینکه هر گاه شما در انجام دادن دستورات خدا تقاعد ورزید در انتظار آن باشید که خدا گروهی که ثابت و پایدارند برانگیزد، چنانکه میفرماید: **يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحسبهم و يحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله** مائده ۵۴؛ کسانی که ایمان آورده‌اید؛ هر گاه کسی از شما از دین خدا روگردان شود، بزودی خدا گروهی را بر میانگیزد که خدا آنها را دوست میدارد و هم آنها خدایان، نسبت به مؤمنان مهربان و خاضع، و بکافران سنگین و سرگردان هستند؛ در راه خدا مبارزه مینمایند و...

نتیجه: هدف آنها هیچگاه این نیست که مردم را بسوی بی‌مهری سوق دهد، زیرا شما بیانات مختصری را از اسلام درباره علاقه به اقوام و خویشاوندان، و درجه اول پدران و فرزندان خواندید؛ بلکه مقصود اینست که مردان با ایمان نپایست در علاقه خود نسبت با اقوام و بستگان و ثروت افراط کنند، و آنها را بر خدا و دستور پیامبر و مجاهده در راه خدا مقدم بدارند، آنان مقامی دارند، خدا و رسول او مقام دیگری، اسلام با کمال صمیمیتی که نسبت به تشکیل خانواده نشان داده و پیروان خود را مأمور ساخته که از اصول طبیعی و عقلانی و مراسم معموله بخویشاوندان پیروی کنند، ولی هر گاه حب به مراتب فوق باعث کمراهی شود، او اجازه نداده است که مرد با ایمان از این محبت فطری، الهام گرفته، و از سخن آنان پیروی نماید، چنانکه میفرماید: **وان جهادك على ان تشرك بي ماليس لك به علم فلا تطعهما**

هر گاه پدر و ماد را سراز ورزند که تو نسبت بمن (خدا) شرک ورزی و چیزی بگویی که بآن علم نداری، هیچگاه از قول آنان پیروی مکن. عوامل هشنگانه‌ایکه آیه دوم از آنها باین ترتیب نام برد: پدران، فرزندان، برادران، همسران، خویشاوندان، ثروت، تجارت و میاکن. در حالیکه مایه سعادت و اساس تمدن انسان است، با اینهمه، چه بسا مایه هلاک و بدبختی بشوند؛ گاهی بر اثر افراط در مهرورزی، نیکتر جانی و حسن عاقبت را از دست میدهند. در آیه نخستین دستور داد، که پدران و برادران مشرک خود را ولی خود اتخاذ نکنید، و نامی از بقیه اصول هشنگانه نبرد، علت آن روشن است زیرا، ولایت در انتظار مردم غالباً مال پدران و برادران است، و لذا فرمود این آنها را (هر گاه کافر باشند) برای خود ولی و اولی بتصرف اتخاذ نکنید، زیرا آنان با داشتن چنین منصبی همه گونه ضربات براهکار شما وارد میکنند، و هدف آیه دوم اینست که علاقه باین امور شما را از پیروی از قول خدا و رسول او باز ندارد، و مسلماً محبت فطری انسان منحصر بپیکری و دوتا نیست بلکه تمام آن امور موروثه علاقه انسان است.